ادامه از صفحه ۱۱

ادبیات مشروطه، مشروطه ادبیات

انقلاب مشروطه تبلور تضادهای درونی جامعه و خشم توده‌ها علیه رژیم فئودالی حکام و سلطه روس و انگلیس بود. این انقلاب که خصلت بورژوای دموکراتیک داشت با قرار گرفتن تحت رهبری بورژوازی تجاری و فئودال‌های شکست‌خورده، نتوانست به اهداف ضداستبدادی و ضدامپریالیستی (روس و انگلیس) خود دست یابد. در ایران به دلیل هجوم و غارت شهرها توسط اقوام وحشی و قبیله‌ای که خود سبب گسستگی روند تکامل نیروهای تولیدی در طول تاریخ و نیز به‌دلیل فشار روزافزون امپریالیزم، بورژوازی صنعتی نتوانست شکل بگیرد. به همین جهت بورژوازی تجاری ضعیف ایران، به علت خصلت دلال‌منشانه‌اش که فاقد رادیکالیزم بنیادی بود، قدرت را به دست گرفت و به همراه فئودال‌های مذکور ناجی تاج‌وتخت لرزان شد. تلاش‌های ناپیگرد و مسالمت‌جویانه بورژوازی برای کسب قدرت سیاسی (یا به تعبیر بهتر)، شریک شدن در قدرت سیاسی در آثار نویسندگان این دوره به صورت انتقادهای اصلاح‌طلبانه از استبداد و خرافات بازتاب می‌یابد.

بورژوازی‌ای که بر دوش توده‌ها به قدرت رسیده، نقش تعرضی خود را از دست داد و از ترس، اقدامی برای شکستن ماشین دولت فئودال انجام نداد که نمی‌توانست هم انجام دهد، زیرا جنبه انقلابی آن‌که ناشی از فشارهای امپریالیزم و فئودالیزم از یک سو و از سویی دیگر جنبه دلالی آن‌که از ضعف اقتصادی و سیاسی و محدود بودن ریشه بورژوازی ناشی می‌شد، رنگ باخت (به‌طور کلی بورژوازی فاقد جنبه‌های دموکراتیک سرمایه‌داری کلاسیک است و در تقابل است با مناسبات عقب‌مانده فئودالی یعنی سرگردانی و اگر پیوندی با فئودال‌های عصر خود یعنی قاجاریه دارد، به دلیل همین خصلت دلالی است). بورژوازی تجاری‌خواهان آزادی تجارت و تضمین محصولاتش در داخل کشور بود و فقط حمایتش در حد تشکیل مجلس و برقراری نظام سلطنتی بود، چراکه جنبه‌های دموکراتیک سرمایه‌داری برایش نامفهوم بود، پس نظام مشروطه را به تب می‌گرفت چون به مرگ راضی نمی‌شد، دموکراسی، مرگ نظام واسطه‌گری بود.

روشنفکران این دوره تحولی به افشای فساد و ظلم مناسبات فئودالی پرداختند و نمایشنامه‌ها مطرح کردند و اندیشه‌های نوین بورژوازی را در این قالب بیان کردند. اینان متاثر از خواسته‌های روشنگری اروپا که منتج به انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) شد، کوشیدند جامعه را اصلاح و نظم و قانون را جانشین استبداد کنند و علم و معرفت را جایگزین خرافات. آثار اینان برای تغییر روابط فئودالی به روابط بورژوازی بود. این مهم‌ترین خصلت ادبیات مشروطه و یکی از عمده‌ترین مضامین داستان‌های ایرانی در سال‌هایی است که باز همراه می‌شود با جنبش و حرکت‌های در حال تکوین روسیه تزاری (فئودالیزم) و کشتار ۱۹۰۵ (اولین انقلاب بورژوا دموکراتیک روسیه و افول امپراتوری باب عالی در ترکیه).

باقر مومنی در کتاب ادبیات مشروطه می‌گوید: ادبیات مشروطه در جدال با ادبیات کهنه جان می‌گیرد، به همین دلیل: ۱- در سنت‌شکنی و ویرانگری شدیدا تعرضی و پرخاشگر است، برای اینکه جای خود را باز کند باید از گذشته تمامی سنن انتقاد کند و برای اینکه انتقادش به دل نشیند غالبا با طنز و نیشخند همراه است، چون بازگوکننده تمایل توده‌هاست باید در آشنایی واقعیات بناهای فانتزی و رمانتیک که افکار کهنه برای مردم ساخته را شدیدا ویران کند و در تقابل با ادبیات فئودالی ترقی‌خواه است ۲- در تعارض با استبداد قرار گرفته بنابراین این ادبیات دموکراتیک است که در جریان رشد خود با عناصر خارجی برخورد می‌کند بنابراین رنگ ناسیونالیسم دارد و به علت تغییر دادن مناسبات جامعه انقلابی اصلاح‌طلب می‌شود (که چندگانگی در این مقطع نشأت گرفته از پیوند فئودال‌های شکست‌خورده و دلال‌های مشروطه‌خواه است). این ادبیات توانسته برای اولین بار قبل از تغییرات در باب عالی، تغییر الفبا را مطرح کند. در سال ۱۲۷۴ یعنی ۹سال قبل از مشروطیت. توانسته آثار لرمانتوف، پوشکین، گوگول و چرنیشفسکی و شعر و ادب انگلستان را ترجمه کند، در آشنایی با طبقات انقلابی قفقاز، راه سعادت مردم را به آموختن دانش می‌داند و موکدا به ناصرالدین‌شاه می‌گوید تعلیم اجباری برای همه ملت مخصوصا روستایی که دریایی است و شهری همچون قطره توفیقی است اجباری و دولت موظف است که مجانی به آموزش بپردازد و مردم از ۹ تا ۱۵سالگی بچه‌های خود را به جز آموزش به کار دیگری نگمارند و این ادبیات معترض بود که تحرک را به جامعه تزریق کرد.

دلم از این خرابی‌ها بود خوش، زان که می‌دانم
خرابی چونکه از حد بگذرد آباد می‌گردد

۱- ستارگان فریب‌خورده یا حکایت یوسف‌شاه -میرزافتحعلی آخوندزاده
۲- سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ- حاج زین‌العابدین مراغه‌ای
۳- تاریخ مشروطیت ایران -احمد کسروی
۴-ادبیات مشروطه -باقر مومنی
۵- تاریخ اجتماعی ایران جلد ۱۰
۶- صحنه‌هایی از تاریخ معاصر ایران -عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی
۷-از صبا تا نیما - یحیی آرین‌پور

نگاهی دیگر به رابطه آمریکا با کودتای ۲۸مرداد

دخالت‌ها و توجیه‌ها

ضیا مصباح

اخیرا کنگره آمریکا دخالت این کشور را در ماجرای لیبی موکول به تایید خود دانسته است؛ بنابراین در این رابطه مروری بر تاریخچه و چگونگی مداخلات آمریکا در کشورهای دیگر از قول یکی از نویسندگان آمریکایی لازم می‌نماید. آمریکا از سال‌های دور به روش‌های گوناگون تلاش داشته دیگر کشورها را مجبور کند دنباله‌روی سیاست و منافع او باشند، از روش دیپلماسی در مقاطع گوناگون یا از راه تطمیع حکومت‌های حافظ منافع آمریکا یا تهدید حکومت‌هایی که به خواسته آنها تن نداده‌اند. گاهی از رژیم‌های دیکتاتور در برابر خشم ملت آنها و احتمال سقوط آن رژیم‌ها جانبداری کرده و در موارد متعددی از شورش‌ها، انقلاب‌ها و کودتاهایی که دیگران اجرا کرده‌اند، حمایت کرده است. در دو مورد هم، در شرایط جنگ‌های جهانی، نظام‌های خاصی را با نظام جدید دلخواه خود، جایگزین کرده است. در تاریخ معاصر در هیچ کشور دیگری نمونه‌هایی این‌چنین پیدا نمی‌شود که تا این حد در جاهایی که با مرزهای آن کشور بسیار فاصله داشته است، حکومتی مرتکب این دخالت‌ها شده باشد. (حوادث اخیر منطقه ما و برخورد دوگانه آمریکا با این تحولات نمونه روز آن است.) داستان این براندازی‌ها بسیار مهیج و شنیدنی است. میهن‌پرستی و دیگر عوامل و انگیزه‌ها- جان‌فشانی‌ها و رسوایی‌های ناشی از افشای قضایا هر کدام مبحث خاص خود را دارد.. چرا آمریکا دست به این اقدامات و عملیات زده و نتایج و پیامدهای آنها چه بوده است؟

۱: واقعیت یا حقیقت؟!

برای مدت سه قرن، «گسترش سرزمینی»، حقیقت غالب در زندگی آمریکایی به شمار می‌آمد، با رسیدن به سواحل اقیانوس آرام و اشغال سرزمین‌های آزاد، این حرکت رو به گسترش، تا اندازه‌ای متوقف شد. پیش‌بینی اینکه حرکت رو به گسترش آمریکا نیروی خود را از دست داده، عجولانه به نظر می‌رسد.

اتخاذ یک سیاست خارجی قدرتمند و احیای اقتدار در دریاها و توسعه نفوذ آمریکا بر جزایر اطراف و کشورهای مجاور، تداوم این حرکت رو به گسترش را نشان می‌دهد. فردریک جکسون ترنر (Frederick Jackson Turner) استیون کینزر در جامعه ایران یک نویسنده شناخته شده به حساب می‌آید. کتاب وی با عنوان «همه مردان شاه» که به توصیف کودتای ۱۹۵۳ [۱۳۳۲] در ایران می‌پردازد، به یک رمان جاسوسی شباهت دارد و در ایران و ایالات‌متحده از آن تقدیر شده و هنگام بازدید دکتر محمد مصدق، آزادمرد بزرگ تاریخ معاصر ایران، از ناقوس آزادی ـ به نشانه اعلام دوستی میان دو ملت ایران و آمریکا ـ که کودکی خردسال بود دسته‌گلی را به نخست‌وزیر ایران تقدیم کرد. کینزر که مدت زیادی به عنوان خبرنگار نیویورک‌تایمز مشغول به کار بود، روزنامه را ترک کرد و به تدریس روزنامه‌نگاری در دانشگاه شمال غربی ایالت ایلینویز، روی آورد. او مدتی مدیر دفتر تایمز در استانبول بود و پوشش خبری جنگ‌های نیکاراگوئه، گواتمالا و صربستان را نیز برعهده داشت. برکناری ملکه هاوایی، ملکه لیلوکالانی (Lilluokalani) در ۱۸۹۳، به دست عوامل دولت ایالات‌متحده آغاز می‌شود. ملکه لیلوکالانی که نزد مبلغان مذهبی تحصیل کرده بود، بانویی روشنفکر به حساب می‌آمد که تلاش کرد تا از نفوذ شرکت‌های آمریکایی و اروپایی در هاوایی بکاهد و از همین‌رو تاج و تخت خود را از دست داد. شرح مداخله مستقیم دولت ایالات‌متحده در تغییر حکومت‌های کوبا، پورتوریکو و فیلیپین در اواخر قرن نوزدهم، ایران در سال ۱۹۵۳، گواتمالا در ۱۹۵۴، شیلی در ۱۹۷۸ و همچنین افغانستان و عراق در سال‌های اخیر مورد مطالعه او قرار گرفته است. کینزر درهای جدیدی را به سوی طرح این پرسش گشوده است که آیا هریک از این اقدامات برای تغییر حکومت‌ها، در بلندمدت به نفع ایالات‌متحده تمام شد؟ و ایالات متحده با سرنگون کردن دولت‌هایی که از طریق دموکراتیک انتخاب شده بودند مسیر نارضایتی، بی‌اعتمادی و حتی تروریسم را در جهان و مشخصا در خاورمیانه هموار ساخته است... و چنین ادامه می‌دهد و می‌گوید: سال‌های پیش من در آمریکای جنوبی خبرنگار بودم و جنگ‌های نیکاراگوئه و گواتمالا را تحت پوشش قرار می‌دادم؛ پس از مدتی از خودم سوال کردم علت این وقایع چیست؟ چرا نیکاراگوئه تا این حد فقیر است؟ برای چه گواتمالا گرفتار چنین جنگ داخلی وحشتناکی شده است؟ من به شرح این موضوع پرداختم که چگونه ایالات‌متحده حکومت‌های پیشرو، ملی‌گرا و متجدد را سرنگون ساخت تا حکومت‌های دیکتاتوری را جایگزین آنها کند. به این نتیجه رسیدم که به جای شرح این درگیری‌ها و حرکت‌های سرکوبگرانه، عوامل محیطی آن را مورد بررسی قرار دهم و بیان کنم که در پشت پرده چه وقایعی در جریان بوده است. برای بررسی واقعه‌ای نظیر کودتای ۲۸ مرداد در ایران، نه‌تنها باید به درک وقایعی که در اوایل دهه ۱۹۵۰ در کل جهان روی می‌داد نایل شد، بلکه ضروری است این موضوع را مورد مطالعه قرار دهیم که عملکرد ایالات‌متحده در آن زمان چگونه بوده است. در طول یک دوران صدساله، دولت ایالات‌متحده قریب به ۱۴رژیم را که اکثر آنها به استثنای حکومت نوریه‌گا و صدام به صورت دموکراتیک انتخاب شده بودند سرنگون کرد. (اولی رژیمی بسیار فاسد و دومی دیکتاتوری خون‌آشام به حساب می‌آمد.) علت این روند چه بود؟ و آیا علت عوامل اقتصادی یا سیاسی کدام بیشتر موثر بوده‌اند؟ از مطالعه ۱۴ عرصه مداخله ایالات‌متحده و اینکه در هر یک از این مقاطع چه اتفاق افتاده و از دیدگاه تاریخی، آثار بلندمدت این اقدام چه بوده، درمی‌یابیم در اکثر موارد، آنچه در رفتار دولت‌های خارجی باعث جلب توجه دولت ایالات‌متحده شده عبارت بوده از: آزاردادن، تحت فشار قراردادن، مقابله کردن و اقدام برای کنترل عملکردهای شرکت‌های آمریکایی و متحدانش. اگر یک حکومت به شرکت‌های خارجی اجازه دهد که هر کاری مایل هستند انجام بدهند و از آزادی عمل کامل برخوردار باشند، ایالات‌متحده علاقه نشان نمی‌دهد و زمانی توجه خود را به یک کشور معطوف می‌کند که مدیران و سردمداران یک تجارت خاص برای عرض شکایت به کاخ‌سفید مراجعه کنند. در این شرایط کاخ سفید و مجموعه سیاست‌گذاری خارجی ایالات‌متحده به جریان می‌افتد.

روسای جمهور ایالات‌متحده به صراحت برای دفاع از منافع شرکت‌های آمریکایی تصمیم به مداخله نمی‌گیرند و انگیزه اقدام خود را از مسایل اقتصادی به عوامل ژئوپولیتیک تغییر شکل می‌دهند. با این شیوه به خود تلقین می‌کند که هدف از مداخله، انگیزه‌های اقتصادی نیست، بلکه اقدام آنها دلایل ژئوپولیتیک دارد و معتقدند که هرگاه رهبر یک کشور خارجی به آزردن یا مقابله یا ملی‌کردن یک شرکت آمریکایی دست بزند، ضد آمریکایی، ضدسرمایه‌داری و احتمالا سرکوبگر و آلت دست قدرتی است که هدفش تضعیف آمریکاست. و بالاخره چگونه می‌توان این موضع را به جهان و به مردم آمریکا عرضه کرد و می‌گویند این کار فقط برای رهایی بخشیدن قربانیان حکومت ستمگر یک کشور خارجی انجام می‌شود، نه به دنبال منافع محدود خود بودن و هدف کمک به قربانیان ظلم و تعدی است. این دلیل برای قانع‌کردن ملت آمریکا بسیار موثر واقع می‌شود و باورشان می‌شود که مردمان بسیار مهربانی هستند و واقعا از تصور اینکه در نقطه‌ای از جهان ظلمی رخ بدهد نفرت دارند. این استدلال، در کنار ساده‌لوحی مردم درباره جهان خارج، باعث می‌شود به حمایت از هرگونه مداخله که برای نجات دیگران عرضه می‌شود، مشتاق شوند.

۲: نظر دالس درباره کودتای ۲۸مرداد ۳۲

کودتای ۲۸مرداد از نگاه «جان‌فاستر دالس» و آنچه که در ذهن خود می‌پرورده به اندیشه‌های جورج‌بوش شباهت دارد. عواملی نظیر شخصیت جان‌فاستر دالس، باورهای مذهبی وی و حمایت او از شرکت‌های آمریکایی همگی یادآور بوش هستند.

دو شخصیت محوری، عبارتند از: مصدق و کرمیت روزولت (Kermit Roosevelt)، مامور سیا که حکومت مصدق را سرنگون کرد. ماجرا را از دیدگاه یک آمریکایی، یعنی جان‌فاستر دالس، وزیر خارجه وقت که به یک شخصیت بدل شده نقل می‌کنیم. دالس و بسیاری از سردمداران امروز واشنگتن، دارای نقاط مشترک زیادی هستند. برخی از این مشترکات عبارتند از دفاع از منافع شرکت‌های آمریکایی، حمایت از دسترسی آمریکا به منابع اقتصادی کشورهای خارجی و دفاع از منافع استراتژیک ایالات‌متحده که البته در نظر دالس همگی با هم یکسان است. نقطه مشترک دیگر دالس با حکومت واشنگتن، شور مذهبی آنهاست که مبنای مداخله‌های به اصطلاح رهایی‌بخش آنان به شمار می‌آید. جان‌فاستر دالس فرزند یک واعظ و نوه یک مبلغ مذهبی بود که در سریلانکا مدفون شده است. او هر هفته در مراسم مذهبی کلیسا شرکت می‌کرد. روزهای یکشنبه در مراسم پیش از گردهمایی اصلی کلیسا نیز حضور می‌یافت. او خود را موظف کرده بود که هر هفته چند آیه از کتاب مقدس را حفظ کند. ایمان مسیحی او بسیار قوی بود؛ زمانی وی حتی به این فکر افتاد که خود به کسوت روحانی درآید. ایمان مسیحی وی باعث می‌شد به این مطلب اعتقاد پیدا کند که جهان به خیر و شر تقسیم شده است. او اعتقاد داشت که دو راه روی زمین هست. هر دو، هم راه الهی و هم راه شیطانی وجود دارد. دالس وجود شیطان را در کمونیسم اتحاد شوروی، مجسم می‌دید. هر چیزی که در مقابل کمونیسم می‌ایستاد از نظر وی مقبول به حساب می‌آمد. او مخالف هرگونه تماس میان کشورهای کمونیست و ایالات‌متحده بود. با برگزاری هیچ‌گونه دیدار رسمی میان آیزنهاور و رهبران کشورهای کمونیست موافقت نداشت و به تبادل فرهنگی با این کشورها علاقه نشان نمی‌داد. او سال‌ها در این راه جنگید که مانع پوشش خبری مسایل کشور چین توسط روزنامه‌نگاران آمریکایی شود. وی بر این اعتقاد بود که هرگونه توافق میان دولت ایالات‌متحده و کشورهای کمونیست یک اشتباه است، زیرا تنها حیله‌ای است برای وادار ساختن ایالات‌متحده به تخفیف ارزش‌های خود، تا کمونیست‌ها بتوانند به درون ما نفوذ کرده و ما را به زیر بکشند. با این دیدگاه، وی اشتیاق فراوانی برای ضربه‌زدن به کمونیسم در جهان داشت. در سال ۱۹۵۲، دالس مشاور رییس‌جمهور بود و در چندین سخنرانی، او و آیزنهاور قول دادند که در صورت پیروزی در انتخابات، کمونیسم را عقب برانند. پس از پیروز شدن آیزنهاور، آنها مجبور بودند از خود سوال کنند که چگونه باید این کار را انجام بدهیم؟ قولی که آنها به مردم آمریکا داده بودند غیرواقع‌بینانه بود. آنها نمی‌توانستند مسکو را بمباران کنند یا به چین حمله کنند. در واقع آنها به هیچ کشوری نمی‌توانستند حمله کنند. آنها در زمان خود به صورت جدی با این پرسش روبه‌رو بودند. درست در همان زمان، یک مامور مخفی انگلیسی، همچون یک هدیه آسمانی از بریتانیا به واشنگتن آمد تا با دالس ملاقات کند و به او بگوید، من کشوری را می‌شناسم که کمونیست‌ها در حال اوج‌گیری هستند و آن کشور ایران است. این درست همان مطلبی بود که دالس انتظار شنیدن آن را می‌کشید. او بلافاصله روی پروژه ایران چنگ انداخت و آن را به عنوان راهی برای اثبات این مطلب تعقیب کرد که دولت جدید سخت مشغول مبارزه با کمونیسم و عقب راندن آن است. البته این حقیقت که ایران یک کشور کمونیستی به‌شمار نمی‌آمد، اندکی برای دالس مانع ایجاد می‌کرد ولی چندان جدی نبود. در واقع، در یکی از جلسات برگزار شده با حضور آیزنهاور، رییس‌جمهور در این خصوص از دالس سوال کرد و او اعتراف کرد که مصدق یک کمونیست نیست، ولی سرنگونی وی بسیار آسان است و امکان دارد کمونیست‌ها جای وی را بگیرند. پس بهترین کار آن است که پیش از دیر شدن، از شر وی خلاص شویم. شباهت میان دالس و بسیاری از سران دولت آمریکا زیاد است. هر دوی آنها اعتقاد دارند که لازم نیست صبر کنیم تا فرآیندهای سیاسی کشورهای خارجی به نتیجه نهایی خود برسد؛ بهترین روش آن است که هم‌اینک ضربه خود را وارد کنیم. مورخان به این دیدگاه، عنوان نگرش تاریخی به جهان، را اطلاق می‌کنند. براساس این نگرش، جهان جای بسیار خطرناکی است و همه جای آن مملو از تهدیدهای گوناگون است، همه دشمن ما هستند و راه حفاظت ما از خودمان آن است که به کسانی که ممکن است در آینده برای ما خطر به حساب آیند، از هم‌اینک ضربه وارد کنیم.

کودتای ۲۸ مرداد از نگاه «جان‌فاستر دالس» و آنچه در ذهن خود می‌پرورده به اندیشه‌های جورج‌بوش شباهت دارد. عواملی نظیر شخصیت جان‌فاستر دالس باورهای مذهبی وی و حمایت او از شرکت‌های آمریکایی همگی یادآور بوش هستند

دالس در عین حال یکی از وکلای متخصص در امور شرکت‌ها بود که در زمان فعالیت خود وکالت بسیاری از شرکت‌های بزرگ از جمله شرکت میوه ایالات‌متحده (United Fruit Company) را برعهده داشت. دالس فقط یک وکیل متخصص در امور شرکت‌ها نبود، بلکه موفق‌ترین و گران‌ترین وکیل آمریکا به حساب می‌آمد. در حقیقت به گفته برخی از کسانی که زندگی‌نامه وی را نوشته‌اند، او گران‌ترین وکیل در تمام جهان محسوب می‌شد. او در دوران فعالیت خصوصی خود تقریبا وکالت تمام شرکت‌های بزرگ چندملیتی در ایالات‌متحده را برعهده داشت و هنگام رسیدن به مقام وزارت امور خارجه، درخصوص منافع آمریکا در جهان نگرشی کاملا اقتصادی داشت. وی بر این باور بود که شرکت‌های آمریکایی طلایه‌دار قدرت آمریکا هستند و هر حکومتی که به مقابله با شرکت‌های آمریکایی برخیزد در حقیقت قدرت آمریکا را به چالش کشانده است. او هیچ برنامه‌ای برای توسعه اجتماعی یا حقوق بشر نداشت. تنها برنامه او در رابطه با اقتدار اقتصادی بود و اعتقاد داشت که باید به شرکت‌های آمریکایی اجازه داده شود آزادانه در جهان به فعالیت بپردازند و در قضاوت خود نسبت به تمامی کشورها و نه فقط کشورهایی که ما به عنوان چپ‌گرا می‌شناختیم، تنها این موضوع را در نظر می‌گرفت که آیا مزاحم شرکت‌های آمریکایی فعال، در خاک خود می‌شوند یا خیر. یک مثال: در دوران تصدی پست وزارت خارجه توسط دالس در دهه ۱۹۵۰، دو کشور از آمریکای مرکزی تلاش کردند دولت‌هایی اصلاح‌گرا و متجدد را در رأس حکومت خود مستقر سازند که در تعقیب عدالت اجتماعی باشد. این دو کشور عبارت بودند از: کاستاریکا و گواتمالا. کشور کاستاریکا در دوران استقرار دولت دالس و آیزنهاور در آمریکا توانست دموکراسی اجتماعی مورد نظر خود را توسعه دهد و به موفق‌ترین کشور در آن منطقه از جهان مبدل شود. اما در مقابل، دموکراسی اجتماعی گواتمالا به طرز بی‌رحمانه‌ای سرکوب شد و در جریان این عملیات، با روی کار آمدن نظام دیکتاتوری، این کشور به ورطه ۳۰ سال ناآرامی داخلی کشانده شد. حال، تفاوت این دو کشور در کجا بود؟ در گواتمالا، شرکت عظیم آمریکایی (United Fruit) حضور داشت که پای ایالات‌متحده را به دخالت در آن کشور باز کرد. در کاستاریکا هیچ شرکت آمریکایی بزرگی حضور نداشت. ایالات‌متحده به طرز وحشتناکی در قضاوت خود نسبت به رهبران ملی‌گرای دیگر کشورها دچار اشتباه شد. این رهبران تلاش می‌کردند تا کشورهای خود را در مسیر توسعه قرار دهند. این کشورها از منابع طبیعی برخوردار بودند، ولی منابع آنها تحت سلطه شرکت‌های خارجی قرار داشت. آنها قصد داشتند کنترل این منابع را دوباره به دست بگیرند. تمامی این حکومت‌ها به عنوان قسمتی از یک توطئه جهانی تحت کارگردانی نیروهای ضد آمریکایی فعالیت می‌کردند. چرا ما در قضاوت خود نسبت به این حکومت‌ها اشتباه کردیم؟ این امر یک علت ویژه دارد. برخی می‌گویند تنها دلیل آن طمع بوده؛ اینکه ما به دنبال فرصت کسب پول بیشتر از محل این کشورها بوده‌ایم. مسلما به نوبه خود دارای منطق است، ولی مساله وجه دیگری نیز دارد. دولتمردان آمریکایی، دیپلمات‌ها و سیاستگذاران عرصه خارجی این کشور در زمینه تاریخ دیپلماسی آموزش دیده‌اند. اما از دیدگاه آمریکایی‌ها، تاریخ دیپلماسی؛ معمولا یعنی تاریخ اروپا. آنچه آمریکایی‌ها مطالعه می‌کنند همین است. به همین علت است که برنامه‌ریزان سیاست خارجی آمریکا با مفاهیمی نظیر بلوک‌های قدرت، جنگ برای پیروزی و قدرت‌های بزرگ که کشورهای کوچک را تنها برای تامین اهداف خود مورد بهره‌کشی قرار می‌دهند، آشنا هستند، اما اشتیاق فراوان مردم کشورهای فقیر برای به دست آوردن کنترل منابع طبیعی خود هرگز در تاریخ اروپا یک عامل مهم به شمار نمی‌آمد.

ادامه از صفحه ۹

دموکراسی‌خواهی پس از مشروطه

یعنی مردم به این نتیجه رسیدند اگر یک حزب یا party سیاسی نداشته باشند نمی‌توانند کاری انجام‌دهند و این نتیجه ناامیدی و رو آوردن مردم به پارتی بود و واژه پارتی‌بازی از همین جا شکل گرفت و رواج یافت چون مردم از اصل مشروطه ناامید شدند و در همان فضای یأس و سرخوردگی بود که نیروی قزاق به فرماندهی رضاخان میرپنج از فضای هرج‌ومرج و بی‌قانونی استفاده و خودشان را ناجی مردم معرفی کردند و مردم هم دنبال ناجی‌ای بودند که قانون و نظم را برگرداند و از مشروطه به این حداقل اکتفا کردند. به این ترتیب مشروطه که برای نهادینه کردن اصولی مانند برابری، عدالت و آزادی آمده بود به جایی رسید که مردم به نظامیان پناه بردند و طبیعی است که نظامیان هم هیچ وقت نمی‌توانستند اصول مشروطه را برقرار کنند و از اسلحه دموکراسی به وجد نمی‌آید درست مانند مصر کنونی که مردم شورش و حسنی مبارک را برکنار کردند ولی به جای آن شورای نظامی بر سر کار آمده که از آن دموکراسی متولد نمی‌شود. بنابراین مردم ساده، کم‌سواد و بی‌سواد آن زمان ایران هم گول نظامیان را خوردند، اصل و هدف که دموکراسی بود، فراموش شد.

همچنین در زمان رضاخان نمادهای مشروطه مانند انتخابات و مجلس وجود داشتند ولی در واقع تندیس و مجسمه‌ای بیش نبودند و حقیقتی از مشروطه باقی نماند و بعد از رضاشاه در دوره پسرش نیز این شرایط ادامه یافت و مردم که از این شرایط عاصی شده بودند، انقلاب کردند. هرچند مشروطه موفق به برقراری دموکراسی نشد اما در روندهای بعدی دموکراسی‌خواهی بی‌تاثیر نبود؛ امام‌خمینی(ره) در سخنرانی‌های خود به اصول مشروطه استناد می‌کردند. همچنین در نهضتی که دو ماه قبل از انقلاب شکل می‌گیرد و به انجمن‌های ایالتی و ولایتی معروف می‌شود و به شکل‌گیری انقلاب می‌انجامد، روحانیون آن دوره یعنی امام(ره) و همچنین آیت‌الله شریعتمداری در اولین تلگراف‌هایی که به شاه می‌زنند خواهان نظام مشروطه سلطنتی هستند و به قانون اساسی مشروطه استناد می‌کنند. بنابراین مشروطه ابزاری در دست آزادی‌خواهان بود که بر سر شاه بکوبند که طبق آن شاه باید انتخابات آزاد برگزار کند و سلطنت کند نه حکومت و تمام ایرادهایی که از شاه گرفته می‌شد، به استناد اصول مشروطه بود، چراکه مثلا در زمان ناصرالدین‌شاه انتخابات و محدود کردن قدرت پادشاه اصلا معنا نداشت. هرچند خاندان پهلوی با استبداد حکومت کردند ولی مجبور بودند تظاهر کنند به اینکه اصول مشروطه را رعایت می‌کنند و مردم هم در اعتراض‌های خود علیه شاه به اصول مشروطه استناد می‌کردند و خواهان آزادی و عدالت بودند.

جدول ۱۲۹۳

افقی:
۱- سم سیگار - بدگو - سایه ۲- گل مبارک - بنیادها - تحمل ۳- گوشه‌ای در دستگاه ماهور - اهریمن - مروارید ۴- راندن بی‌ادبانه - شهر صیفی‌جات - خاموش ۵- آب در زبان کودکان کوچک - مرکز اتم - کابوس ۶- قدرت و توان - مشتری - شهری در آلمان ۷- کتاب داستان - گامت ماده - نفس خسته ۸- از سیستم‌های تلویزیونی - بیهوده ۹- درون چیزی - همسر کیکاووس - نوعی بیماری ۱۰- میهن - تکبر - بلندتر، برتر ۱۱- گشایش - روز تازی - فریاد مهیب ۱۲- سنت - نمد درست می‌کند - ترمز چارپا ۱۳- فاکتور - سازمان جاسوسی آمریکا - هوس زن باردار ۱۴- چربی - از اقلیت‌های مذهبی - تخته‌های بریده شده از تنه درخت ۱۵- سودای ناله - الگو - غار بزرگی در اسپانیا

عمودی:
۱- ظرف نمک - آشوب، فتنه - مستقر و برقرار کردن ۲- دهن‌کجی - بزرگ - اداره آتش‌نشانی ۳- اغما - خدای تجارت و سفر یونان باستان - حاصل ۴- ورزش جودوی چینی - جلادهنده کفش - نیم صدای ساعت ۵- دودکش - افسر نیروی دریایی - شالوده و بنیاد ۶- پابرجا و استوار - ستایشگر - درخت مخروطی شکلی که همیشه سبز است ۷- باران ریزه - قطار زیر زمینی - نام ترکی- نصف آجر ۸- آشکار - وجه اشتراک مجله ۹- خط لاتین - تصدیق روسی - پرنده قاصد حضرت سلیمان - حرف گزینش ۱۰- فهرست غذا - سرباز نیروی دریایی - ماموت بی‌انتها! ۱۱- حرف ندا - پایتخت ارمنستان - جمع رایت ۱۲- یکی از القاب اروپایی - از انجیل‌ها - خواب کودکانه ۱۳- پشت سر هم بودن - شهری در اتیوپی - ایتالیای قدیم ۱۴- ستمگرانه - خوان گستردنی - صد متر مربع ۱۵- چغندر پخته - گهواره - روز دهم محرم

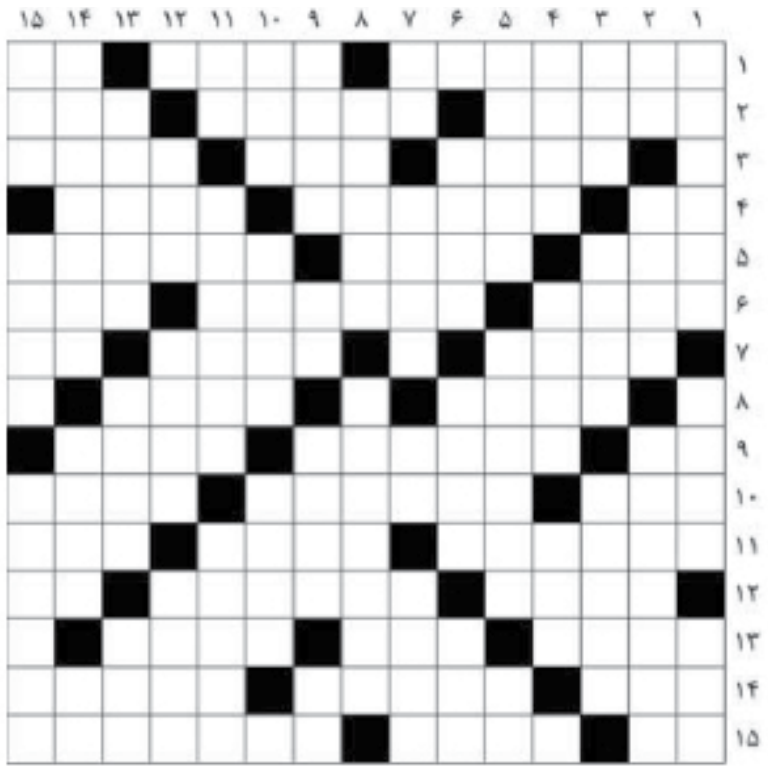

حل جدول ۱۲۹۲

سودوکو ۳۰۱

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۹	۳	۲				
۴	۵				۷			۶
				۱				۳
						۹	۸	۴
	۴			۹	۱	۶		
				۶		۵	۷	
			۲		۸	۳		
۷	۳	۵				۲		
	۸	۴			۵	۷		

حل سودوکو ۳۰۰

۸	۳	۵	۱	۷	۴	۹	۲	۶
۶	۱	۷	۲	۸	۹	۴	۳	۵
۴	۹	۲	۳	۶	۵	۱	۷	۸
۹	۶	۸	۷	۴	۲	۵	۱	۳
۷	۵	۴	۸	۳	۱	۶	۹	۲
۱	۲	۳	۹	۵	۶	۸	۴	۷
۳	۴	۹	۵	۲	۸	۷	۵	۱
۵	۷	۶	۴	۱	۳	۲	۸	۹
۲	۸	۱	۶	۹	۷	۳	۵	۴